

به نام خداوند جان و خرد



عنوان گزارش:

تحلیل رشد بلندمدت اقتصاد ایران و چالش‌های دهه ۹۰

مسعود نیلی و ابوالفضل خاوری نژاد

موسسه پژوهشی اقتصاد مالی بهین

۱۳۹۷

چکیده

رشد اقتصادی کشور در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ترتیب ۶/۸- و ۱/۹- درصد کاهش یافته که در سال‌های پس از پایان جنگ سابقه نداشته است. رشدهای منفی اقتصادی کشور در این سال‌ها، با اعمال شدیدترین تحریم‌هایی که می‌توان بر کشوری اعمال نمود همزمان شده است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که چه میزان از افت تولید کشور در سال‌های اخیر را می‌توان ناشی از اعمال این تحریم‌ها دانست. از سوی دیگر، مقاله حاضر به این باور عام که با برداشته شدن تحریم‌ها، اقتصاد کشور به نرخ‌های رشد قبلی باز خواهد گشت، نیز خواهد پرداخت.

در این مقاله، با استفاده از محاسبه شاخص‌های بهره‌وری، اثر ناشی از تحریم بانک مرکزی و سایر تحریم‌های تجاری بر رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت برآورد می‌گردد. بدین منظور، نخست شاخص بهره‌وری بر پایه ارزش افزوده و شکل خاصی از ارزش ستانده محاسبه شده و از تفاضل نرخ رشد بهره‌وری بدست آمده، اثر تحریم محاسبه می‌شود. علاوه بر اثر تحریم بانک مرکزی، اثر تحریم نفتی نیز با استفاده از ارقام تفکیکی حسابهای ملی، به صورت جداگانه برآورد می‌گردد. با جمع دو اثر مذکور، اثر کل تحریم بر رشد اقتصادی کشور بدست می‌آید.

در پاسخ به پرسش دوم، یعنی بررسی نرخ‌های رشد اقتصادی در سال‌های پایانی دهه ۹۰، به شرطی که تحریم‌های بین‌المللی برداشته شود، در مقاله حاضر، ابتدا مقادیر تولید بالقوه برآورد شده و سپس بر اساس سناریوی رشد تشکیل سرمایه ثابت در سال‌های مورد بررسی و با قید حفظ ساختارهای موجود در اقتصاد کشور، میانگین رشد اقتصادی سال‌های باقیمانده از سده چهاردهم شمسی پیش‌بینی می‌شود. مطابق با ارقام بدست آمده، رشد اقتصادی کشور در حدود نصف دوره قبل از آن خواهد بود.

کلید واژه‌ها: رشد اقتصادی، تحریم تجاری، تحریم نفتی، شاخص بهره‌وری، ارزش ستانده، ارزش افزوده، واردات واسطه‌ای، تولید بالقوه، موجودی سرمایه

مدخل

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر شاهد سخت‌ترین تحریم‌هایی بوده که تاکنون بر کشوری وضع شده است. این تحریم‌ها دارای پی‌آمدهای منفی بر متغیرهای اقتصادی نظیر نرخ ارز، مبادلات بخش خارجی، نرخ تورم، بودجه دولت، سطح رفاه خانوارها، سرمایه‌گذاری و نرخ رشد اقتصادی بوده است. در اثر این تحریم‌ها، اقتصاد ایران بار دیگر پس از دوران جنگ، نرخ‌های رشد منفی بسیار بالا را تجربه کرد. بنا به ارقام مقدماتی بانک مرکزی، نرخ‌های رشد اقتصادی در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ترتیب $-۶/۸$ و $-۱/۹$ درصد برآورد گردید. این در حالی است که نرخ‌های رشد سرمایه‌گذاری نیز بشدت نزول کرد و به $-۲۳/۸$ و $-۶/۹$ درصد، به ترتیب در سال‌های ۹۱ و ۹۲ رسید. نرخ‌های رشد سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات حتی با افت بیشتری روبرو شد و برای سال‌های مذکور به ترتیب به $-۳۵/۷$ و $-۱۶/۱$ درصد کاهش یافت. روشن است که این میزان از کاهش در سرمایه‌گذاری، نرخ‌های رشد سال‌های آتی را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد.

پرسشی که در اینجا مطرح بوده و به ویژه درباره نرخ رشد اقتصادی از اهمیت بیشتری نیز برخوردار می‌باشد، اندازه اثر تحریم‌های بین‌المللی است. در بخش اول از مقاله حاضر، با استفاده از محاسبه شاخص‌های بهره‌وری به این پرسش پاسخ داده خواهد شد.

پرسش دیگری که در شرایط کنونی اقتصاد کشور از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، وضعیت رشد سال‌های آتی است. هم‌اکنون باوری در کشور شکل گرفته است که با برداشته شدن تحریم‌ها، اقتصاد کشور به مسیر رشد گذشته باز گشته و در نتیجه حصول نرخ‌های رشد حدود ۵ درصدی و حتی بیشتر، به سهولت امکان‌پذیر است. بخش دوم از مقاله حاضر، با استفاده از واقعیت‌های کمی اقتصاد کشور، این باور را مورد ارزیابی قرار داده و بر اساس برآوردهایی که از مسیر تولید بالقوه کنونی انجام می‌شود، میانگین نرخ رشد اقتصادی سال‌های پایانی سده چهاردهم شمسی را پیش‌بینی می‌کند.

۱- برآورد اثر تحریم بر رشد اقتصادی

۱-۱- مقدمه

اثر تحریم را می‌توان به دو مقوله اصلی تحریم نفتی و تحریم بانک مرکزی تفکیک کرد. تحریم نفتی، با اعمال سقف فروش نفت، ایجاد درآمدهای حاصل از آن را هدف گرفته است. در مقابل، تحریم بانک مرکزی بر ایجاد محدودیت روی نقل و انتقال وجوه تمرکز دارد. از این رو، تحریم بانک مرکزی، علاوه بر اینکه دسترسی به درآمدهای حاصل از فروش نفت را به شدت محدود می‌کند، مبادلات خارجی کشور را با موانع جدی روبرو می‌سازد.

محدودیت در مبادلات خارجی ناشی از تحریم بانک مرکزی، در کنار ممنوعیت صادرات برخی از کالاها به ایران، بیش از همه بر حجم واردات کشور اثر منفی گذارده است. جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱، واردات کالایی کشور و نرخ رشد آن را طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، بر اساس آمار گمرک، نشان می‌دهد.

جدول ۱- واردات گمرکی بر اساس طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی - ISIC (میلیون دلار)

فعالیت / سال	1388	1389	1390	1391	1392
کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	4,194	3,354	3,718	6,539	5,162
استخراج معدن	186	221	222	206	233
صنعت	48,112	25,059	53,456	44,560	42,649
سایر	2,795	8,816	4,412	2,146	1,378
جمع	55,287	37,450	61,808	53,451	49,422

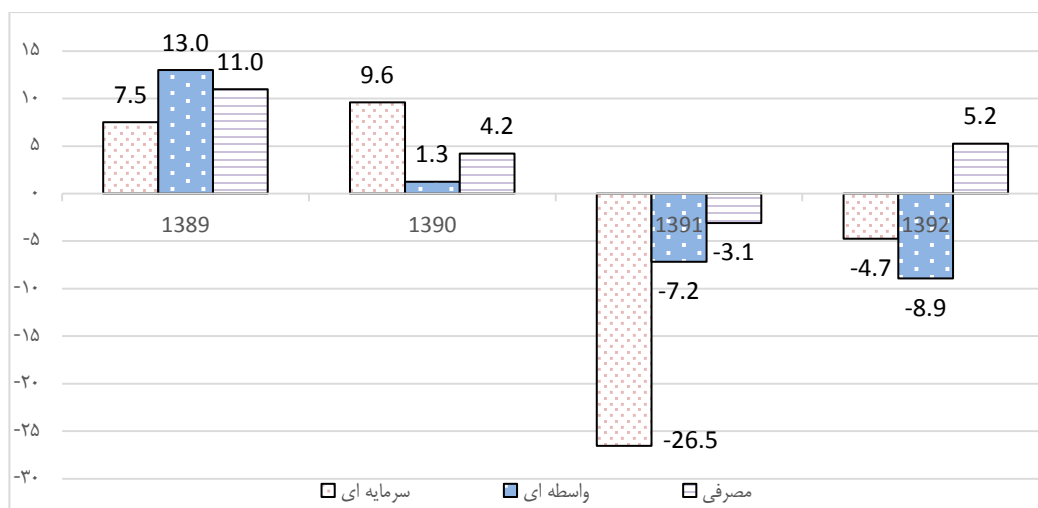
ماخذ: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، دفتر آمار و پایش اقتصادی

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول و نمودار مذکور، در سال ۱۳۹۱ که کشور با تحریم‌های جدید بین‌المللی روبرو گردید، نسبت به سال ۱۳۹۰، حجم واردات به میزان ۱۳/۵ درصد کاهش یافت. در سال ۹۲، ۷/۲ درصد دیگر نیز از میزان واردات کاسته شد تا در مقایسه با سال ۹۰، مقدار کاهش به ۲۰ درصد برسد.

از مهمترین و کاربردی‌ترین طبقه‌بندی‌های مربوط به واردات، تفکیک آن به مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای است. کالاهای وارداتی مصرفی، مستقیماً سطح رفاه خانوارها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. کالاهای وارداتی

سرمایه‌ای، حجم سرمایه‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی، تولید آن‌ها در دوره‌های آتی و در نتیجه رشد اقتصادی آینده را متأثر می‌سازد. کالاهای وارداتی واسطه‌ای نیز عمدتاً با حجم تولید بنگاه‌ها در دوره جاری و رشد اقتصادی فعلی کشور مرتبط است. در نمودار شماره ۲، تحولات واردات بر حسب طبقه‌بندی مذکور، بدون در نظر گرفتن اقلام طبقه‌بندی نشده، نشان داده شده است.

نمودار ۱- رشد سالانه واردات به تفکیک گروه‌های مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای (درصد)



ماخذ: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، دفتر آمار و پایش اقتصادی

بر اساس نمودار ۱، در مجموع دو سال ۹۱ و ۹۲، بیشترین درصد کاهش در واردات، توسط کالاهای سرمایه‌ای و کمترین آن توسط کالاهای مصرفی ثبت شده است. با وجود این، با توجه به سهم حدود ۸۰ درصدی کالاهای واسطه‌ای از کل واردات گمرکی، بیشترین حجم کاهش به گروه کالاهای واسطه‌ای مربوط می‌شود. در واقع، می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) در سال‌های ۹۱ و ۹۲، از طریق کاهش در واردات کالاهای واسطه‌ای قابل توضیح است.

در این پژوهش، بر اساس روش‌شناسی سنجش بهره‌وری، اندازه اثر تحریم بر رشد اقتصادی، به تفکیک با نفت و بدون نفت، برآورد می‌گردد. مطابق با روش مورد استفاده و نتایجی که بدست می‌آید، برآورد نرخ رشد اقتصادی در صورتی که تحریم‌ها اعمال نمی‌شد، نیز امکان‌پذیر می‌گردد.

۲-۱- روش‌شناسی

سنجش اثر کاهش واردات واسطه‌ای بر رشد تولید ناخالص داخلی را می‌توان همان برآورد اثر تحریم بانک مرکزی و تحریم تجاری بر رشد اقتصادی کشور محسوب نمود. در این مقاله، به منظور سنجش این اثر، از روش‌شناسی محاسبه بهره‌وری کل عوامل تولید استفاده می‌شود.

از ادبیات مربوط به محاسبه شاخص‌های بهره‌وری می‌دانیم که می‌توان سنجش بهره‌وری را با استفاده از داده‌های آماری ستانده ناخالص و ارزش افزوده ناخالص (که در سطح کل اقتصاد، همان تولید ناخالص داخلی است) انجام داد. نتایج بدست آمده برای بهره‌وری کل عوامل تولید، بر اساس داده‌های ستانده و افزوده غالباً متفاوت است. در واقع، علت تفاوت نتایج سنجش بهره‌وری بر اساس دو داده مذکور، به تفاوت بین ستانده و افزوده باز می‌گردد که همان قلم مصارف واسطه است. بر اساس تعریف داریم:

مصارف واسطه - ارزش ستانده = ارزش افزوده

یا

$$VA = GO - IC$$

در یک اقتصاد بسته، نرخ رشد ارزش افزوده و ارزش ستانده برابر خواهد بود زیرا کالاهای واسطه‌ای که به مصرف واسطه تولید سایر کالاها می‌رسند، خود در داخل اقتصاد تولید شده و ارزش افزوده حاصل از تولید آن‌ها در محاسبات ارزش افزوده کل اقتصاد ملحوظ شده است. اما در یک اقتصاد باز که انواع کالاها از جمله کالاهای واسطه‌ای وارد اقتصاد شده و در تولید سایر کالاها و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد، بین دو نرخ رشد تفاوت ایجاد می‌شود، زیرا اکنون ستانده داخلی، شامل محصولات تولیدی جایی در فراسوی اقتصاد داخلی است که در ارزش افزوده تولید ناخالص داخلی کشور لحاظ نمی‌گردد. با وجود این، لازم است خاطر نشان گردد که اگرچه واردات واسطه‌ای جزیی از تولید ناخالص داخلی نیست، اما بر آن اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر، کالاهای واسطه‌ای وارداتی، که جایگزینی آن با محصولات داخلی به صورت اقتصادی دور از دسترس است، این امکان را فراهم می‌آورد تا مراحل از فراوری در داخل کشور انجام شده و ارزش جدید یا ارزش افزوده (شامل دستمزد، سود و نظایر آن) خلق گردد. در این صورت می‌توان گفت که این کالاها معمولاً نقش مثبت قابل توجهی را در رشد اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت که واردات واسطه‌ای در تولید ناخالص داخلی، نه به صورت صریح بلکه به صورت ضمنی حضور دارد.

در محاسبات مربوط به سنجش بهره‌وری مبتنی بر ارزش افزوده، در یک طرف ارزش افزوده و در سوی دیگر نهاده‌های تولید (شامل کار و سرمایه) قرار دارند. حضور این دو نهاده تولید موجب می‌شود که رقم بدست آمده فاقد اثر این دو قلم باشد. اما از آنجا که در محاسبات مذکور، نهاده واسطه منظور نگردیده است، اثر ضمنی نهاده مذکور در شاخص محاسباتی بهره‌وری نیز وجود دارد. به عبارت دیگر، سنجش بهره‌وری مبتنی بر ارزش افزوده، قادر به حذف اثر نهاده واسطه وارداتی از شاخص بهره‌وری نیست. به عکس، در سنجش بهره‌وری مبتنی بر ارزش ستانده، در یک طرف ارزش ستانده و در سوی دیگر نهاده‌های تولید (شامل کار، سرمایه و کالاهای واسطه‌ای) قرار دارند. بنابراین می‌توان گفت که در شاخص بهره‌وری مبتنی بر ارزش ستانده، اثر همه نهاده‌های تولید از جمله کالاهای واسطه‌ای وارداتی حذف می‌شود.

اکنون می‌توان به این نتیجه رسید که در یک اقتصاد باز، تفاوت بین رشد بهره‌وری بر مبنای ارزش ستانده و ارزش افزوده، حداقل به لحاظ نظری، معادل رابطه زیر است:

$$TFP_{VA} = \left(\frac{GO}{VA}\right) TFP_{GO} \quad (1)$$

در رابطه (۱)، GO و VA به ترتیب معادل ارزش ستانده و ارزش افزوده و TFP نیز بیانگر رشد بهره‌وری کل عوامل تولید است.

رابطه (۱) را می‌توان به صورت زیر نیز بازنویسی کرد:

$$TFP_{VA} = \left(1 + \frac{MA}{VA}\right) TFP_{GO} \quad (2)$$

در رابطه (۲)، M عبارت از مصارف واسطه وارداتی است. بر اساس رابطه (۲) می‌توان گفت که رشد بهره‌وری کل عوامل تولید مبتنی بر ارزش افزوده، یک بعلاوه رقم نسبت واردات واسطه‌ای به ارزش افزوده، برابر بیشتر از رشد بهره‌وری کل عوامل تولید مبتنی بر ارزش ستانده، است. اگرچه روابط بالا به لحاظ نظری صحیح است، اما انواع اشتباهات آماری و نکاتی نظیر در نظر نگرفتن همه واردات واسطه‌ای دخیل در تولید، واردات واسطه‌ای موجود در انبار، اعمال شاخص‌های قیمت نامناسب و نظایر آن می‌تواند اریب‌هایی را در محاسبات ایجاد نموده و برقراری دقیق روابط مذکور را با مشکل روبرو سازد.

در ادبیات مربوط به سنجش بهره‌وری، استدلال می‌شود که شاخص بهره‌وری مبتنی بر ارزش ستانده، تصویر کمی دقیق‌تری را نسبت به شاخص بهره‌وری مبتنی بر ارزش افزوده ارائه می‌کند. در واقع، آنچه در این مقاله از روش‌شناسی سنجش بهره‌وری مورد استفاده قرار خواهد گرفت، اثر مقدار واردات واسطه‌ای بر رشد شاخص‌های بهره‌وری مبتنی بر ارزش ستانده و ارزش افزوده است. از آنجا که در سنجش بهره‌وری مبتنی بر ارزش افزوده، اثر واردات واسطه‌ای در شاخص بهره‌وری حضور دارد اما در بهره‌وری مبتنی بر ارزش ستانده، این اثر حذف شده است، تفاوت دو رقم را می‌توان همان اثر واردات واسطه‌ای بر رشد اقتصادی محسوب نمود.

۱-۳- محاسبات و داده‌ها

در این پژوهش، به منظور محاسبه شاخص‌های بهره‌وری کل عوامل تولید از روش شاخص عددی^۱ استفاده شده است. در این روش، شاخص بهره‌وری بر اساس شناخته شده‌ترین تعریف یعنی نسبت ستانده به نهاده محاسبه می‌شود.

$$A_t = \frac{Q_t}{I_t} \quad (3)$$

که در آن A شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید، Q شاخص مقداری ستانده (ارزش ستانده یا ارزش افزوده) و I شاخص ترکیبی نهاده‌های تولید است.

در محاسبات مربوط به شاخص بهره‌وری مبتنی بر ارزش افزوده، از تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت ثابت ۱۳۸۳ بانک مرکزی استفاده شده است. ارقام نیروی کار، بر اساس ارقام مرکز آمار بوده و برای ارقام موجودی سرمایه نیز ارقام بانک مرکزی مورد استفاده قرار گرفته است.

در محاسبات مربوط به شاخص بهره‌وری مبتنی بر ارزش ستانده، تعدیلاتی در ارزش ستانده انجام شده است. از آنجا که روش کار در پژوهش حاضر، مستلزم برآورد اثر واردات واسطه‌ای بر رشد اقتصادی است، لازم است که در ارقام مصارف واسطه تعدیلی انجام پذیرد تا اثر خالص واردات واسطه‌ای احراز گردد. سری‌های زمانی معمول برای مصارف واسطه در حساب‌های ملی، شامل ارقام وارداتی و تولید داخلی است که استفاده از آن، وافی به

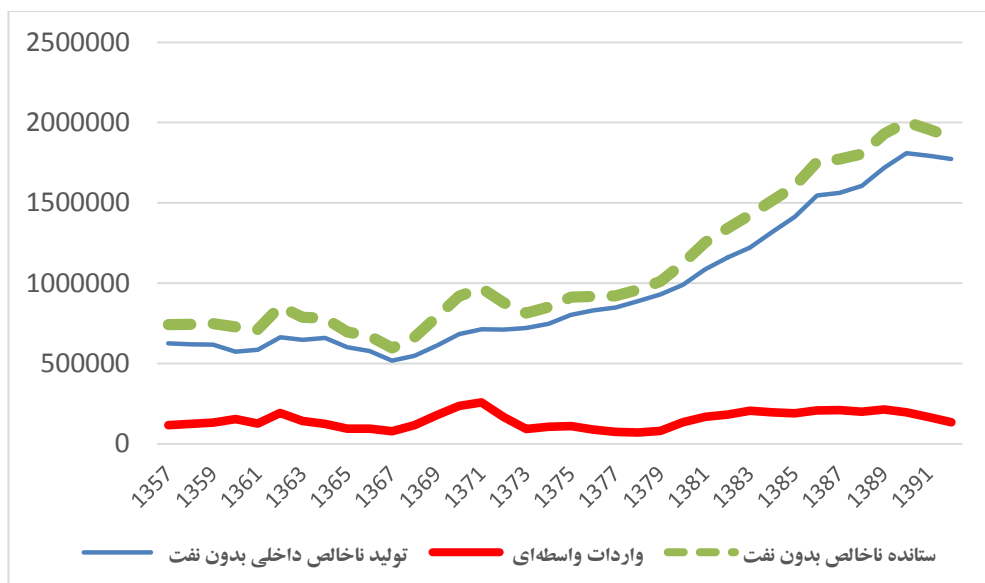
^۱ Index Number method

مقصود نخواهد بود. بدین منظور، در این پژوهش، مصارف واسطه داخلی از دو طرف مصارف واسطه و ستانده ناخالص حذف گردید. با این تعدیل، مصارف واسطه و ستانده ناخالص تنها شامل کالاهای وارداتی واسطه‌ای خواهد بود. ارقام کالاهای وارداتی واسطه‌ای سال‌های قبل، از آمار بانک مرکزی و برای سال‌های اخیر از نتایج بررسی‌های موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی اخذ شده است. این ارقام با استفاده از شاخص ضمنی واردات، برگرفته از حسابهای ملی بانک مرکزی، به قیمت‌های ثابت تبدیل شده است. برای محاسبه شاخص ترکیبی نهاده نیز از روش تورنکوویست^۲ استفاده گردیده است.

در نمودار شماره ۲، تولید ناخالص داخلی بدون نفت، مصارف واسطه‌ای وارداتی و ستانده ناخالص بدون نفت ارایه شده است. شایان ذکر است که رقم ستانده ناخالص، جمع تولید ناخالص داخلی بدون نفت و مصارف واسطه‌ای است.

نمودار شماره ۲- تولید ناخالص داخلی، ستانده و واردات واسطه‌ای به قیمت ثابت ۱۳۸۳ (میلیارد ریال)

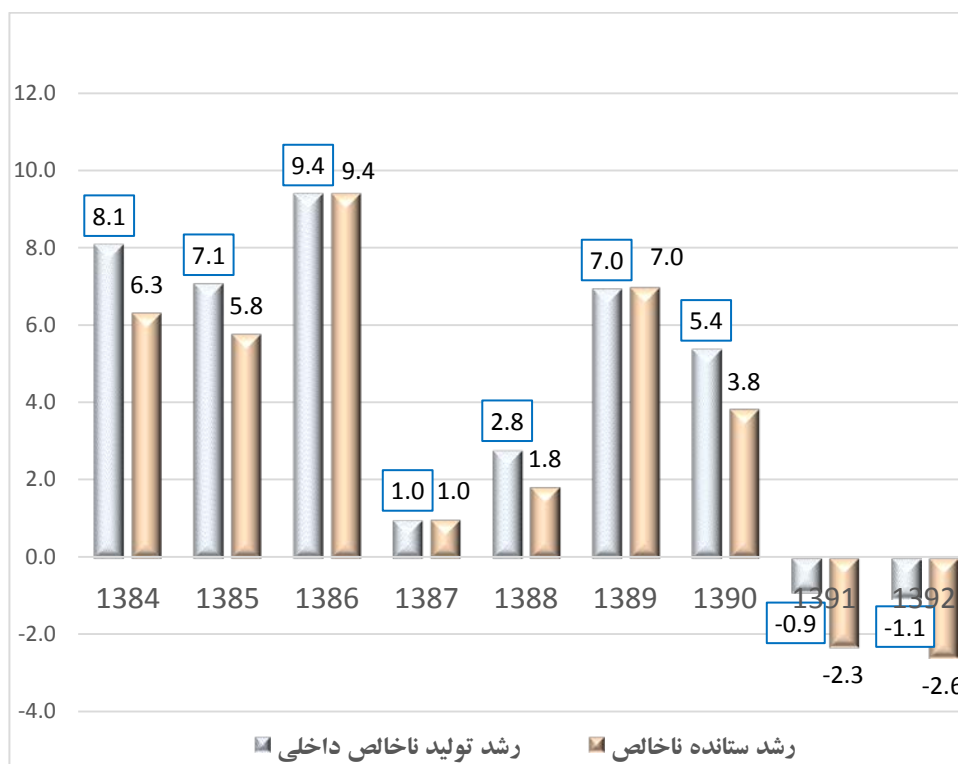
^۲ Tornqvist formula



ماخذ: تولید ناخالص داخلی: بانک مرکزی، واردات واسطه‌ای: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

نمودار شماره ۳، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت و ستانده ناخالص بدون نفت را در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ نشان می‌دهد. ارقام آرایه شده در نمودار شماره ۳، مبنای محاسبات مربوط به رشد بهره‌وری قرار گرفته است.

نمودار شماره ۳- نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و ستانده ناخالص بدون نفت (درصد)



ماخذ: حسابهای ملی بانک مرکزی و محاسبات تحقیق

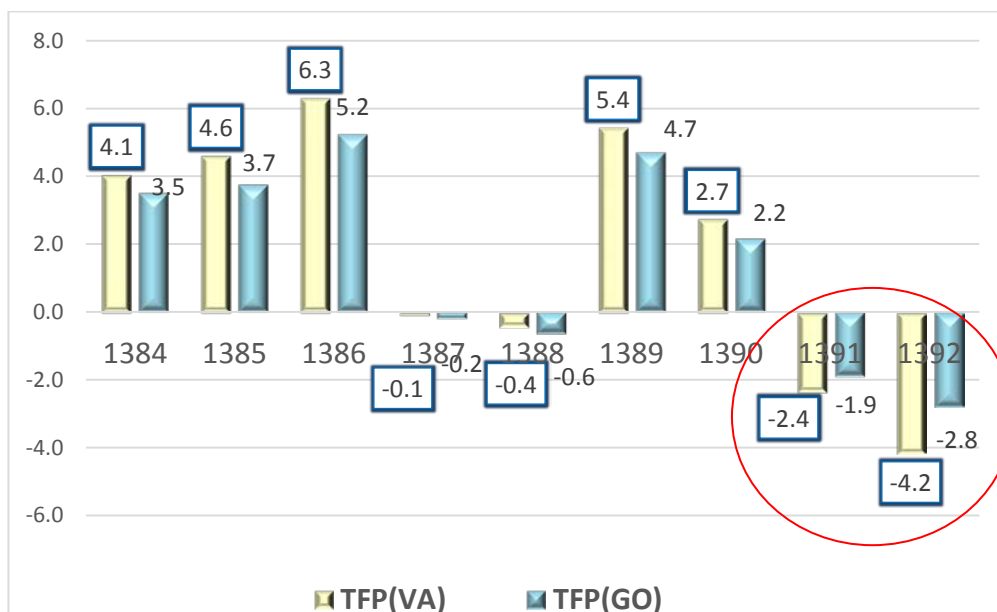
۴-۱- نتایج

۱-۴-۱- تحریم تجاری

نمودار شماره ۴، نتایج سنجش بهره‌وری بر اساس روش شاخص عددی را نشان می‌دهد. در سال‌های ۸۴ تا ۹۰، اثر واردات عمدتاً به صورت مثبت، در رقم بزرگتر برای نرخ رشد بهره‌وری بر مبنای ارزش افزوده منعکس شده است. این شرایط در سال‌های ۹۱ و ۹۲ معکوس شده است. در سال‌های مذکور، نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید برای هر دو مبنای ستانده و افزوده منفی است. همانگونه که انتظار می‌رود، قدر مطلق رشد بهره‌وری بر مبنای افزوده از رشد آن بر مبنای ستانده بیشتر است. تفاضل رقم رشد بر دو مبنای مذکور، همان اثر کاهش واردات در نتیجه تحریم است.

در سال ۹۱، رقم رشد بهره‌وری بر مبنای ستانده بدون نفت ۱/۹- درصد و بر مبنای افزوده بدون نفت ۲/۴- درصد برآورد می‌شود که تفاضل آن‌ها، ۰/۵- درصد است. بر اساس آنچه تاکنون بیان گردید، این رقم را باید به عنوان اثر تحریم تجاری بر رشد تولید غیرنفتی در سال ۹۱ منظور نمود. به عبارت دیگر، رشد بهره‌وری بر مبنای افزوده به اندازه نیم درصد، از نظر قدر مطلق بیش‌گویی دارد که ناشی از لحاظ نشدن افت واردات واسطه‌ای، در محاسبات بهره‌وری بر مبنای ارزش افزوده، می‌باشد.

نمودار شماره ۴- نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید بر مبنای ستانده و افزوده (درصد)



ماخذ: محاسبات تحقیق

در سال ۹۲، کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت در مقایسه با سال ۹۱ بیشتر بوده است. این کاهش به صورت کاهش بیشتر نرخ رشد بهره‌وری، بر هر دو مبنای ستانده و افزوده، نیز منعکس شده است. بر اساس محاسبات مذکور، نرخ رشد بهره‌وری بر مبنای ارزش افزوده به اندازه $1/4$ - درصد کمتر از نرخ رشد بهره‌وری بر مبنای ارزش ستانده است که می‌توان آن را به عنوان اثر تحریم تجاری در سال ۹۲ محسوب نمود. نکته قابل توجه اینکه، اثر تحریم در سال ۹۲ به اندازه $0/9$ - واحد درصد بیشتر از اثر آن در سال ۹۱ است. در توضیح این وضعیت می‌توان به افت بیشتر واردات واسطه‌ای در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۱ اشاره نمود ($8/9$ - درصد در مقابل $7/2$ - درصد). علاوه بر آن، استفاده از ذخایر مواد و کالاهای واسطه‌ای وارداتی موجود در انبار بنگاه‌ها را نیز می‌توان در تخفیف اثر تحریم در سال ۹۱ موثر دانست.

۱-۴-۲- تحریم نفتی

اثر تحریم نفتی، مستقیماً بر ارزش افزوده بخش نفت و تولید ناخالص داخلی مشاهده می‌شود. به منظور برآورد اثر تحریم نفتی، تولید ناخالص داخلی سال ۹۱ و ۹۲، این بار با رقم ارزش افزوده بخش نفت سال ۹۰، مجدداً محاسبه شده و تفاوت آن با رقم تحقق یافته مورد مقایسه قرار گرفت. با استفاده از این روش ساده، اثر تحریم نفتی بر تولید ناخالص داخلی، برای سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ترتیب 6 - و 1 - درصد برآورد شد.

۱-۴-۳- اثر کل تحریم

با جمع اثر تحریم تجاری و تحریم نفتی، اثر کل تحریم به شرح جدول زیر بدست می‌آید:

جدول شماره ۲- اثر تحریم بر رشد اقتصادی کشور

سال ۱۳۹۱	تولید با نفت	تولید بدون نفت
تحریم تجاری	-۰.۴	-۰.۵
تحریم نفتی	-۶.۰	۰
جمع	-۶.۴	-۰.۵
سال ۱۳۹۲	تولید با نفت	تولید بدون نفت
تحریم تجاری	-۱.۲	-۱.۴
تحریم نفتی	-۱.۰	۰
جمع	-۲.۲	-۱.۴

ماخذ: محاسبات تحقیق

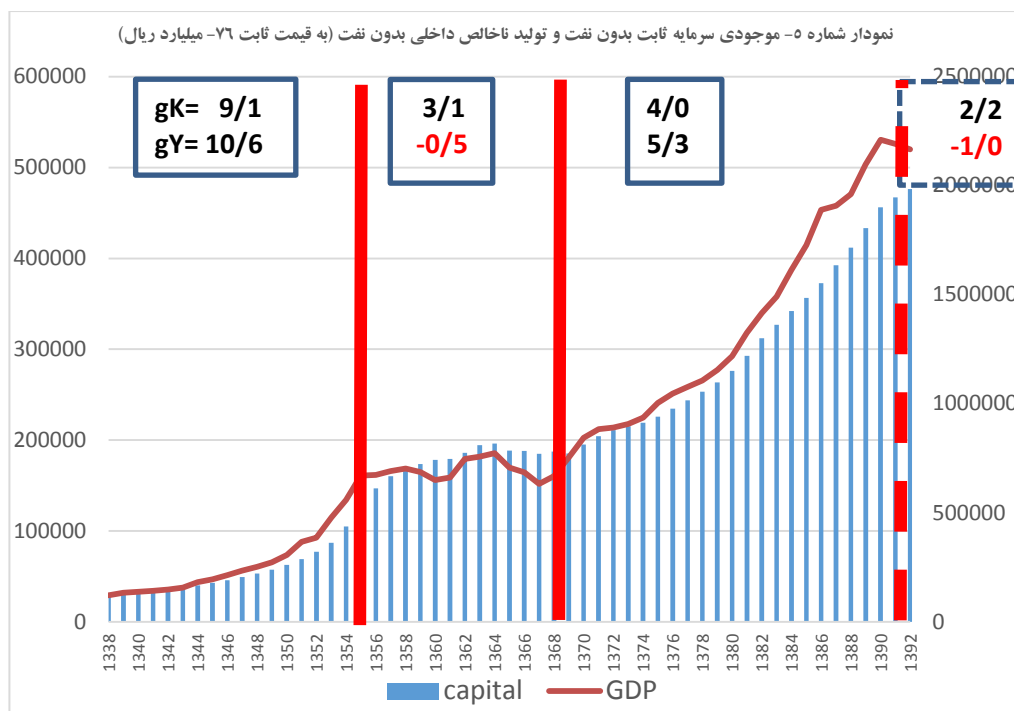
بر اساس جدول شماره ۲، در صورتی که هیچگونه تحریمی بر اقتصاد کشور تحمیل نمی‌شد، در سال ۱۳۹۱، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت به ترتیب $۰/۳۷-$ و $۰/۴-$ درصد می‌بود. ارقام مذکور برای سال ۱۳۹۲ به ترتیب $۰/۳۲$ و $۰/۲۷$ درصد برآورد شده است.

۲- مسیر رشد اقتصادی کشور در سال‌های آتی

۱-۲- مقدمه

مروری بر سال‌های منتهی به سال ۱۳۹۰، یعنی سال قبل از اعمال تحریم‌های جدید، نشان می‌دهد که میانگین نرخ رشد اقتصادی در فاصله سال‌های ۷۶ تا ۸۳، ۵ درصد بوده که در دوره ۸۴ تا ۹۰، به $۴/۷$ درصد کاهش یافته است. همچنین در دوره اخیر میانگین نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت $۵/۵$ درصد بوده که در مقایسه با رقم $۸/۹$ درصدی دوره ۷۶ تا ۸۳، کاهش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. بنابراین، بر اساس میانگین‌های دوره‌ای محاسبه شده می‌توان گفت که اقتصاد کشور در حال ورود به دوره‌ای با رشد کندتر اقتصادی بوده و اجرای تحریم‌های جدید، نه به وجود آورنده آن بلکه تشدید کننده این روند محسوب می‌شود.

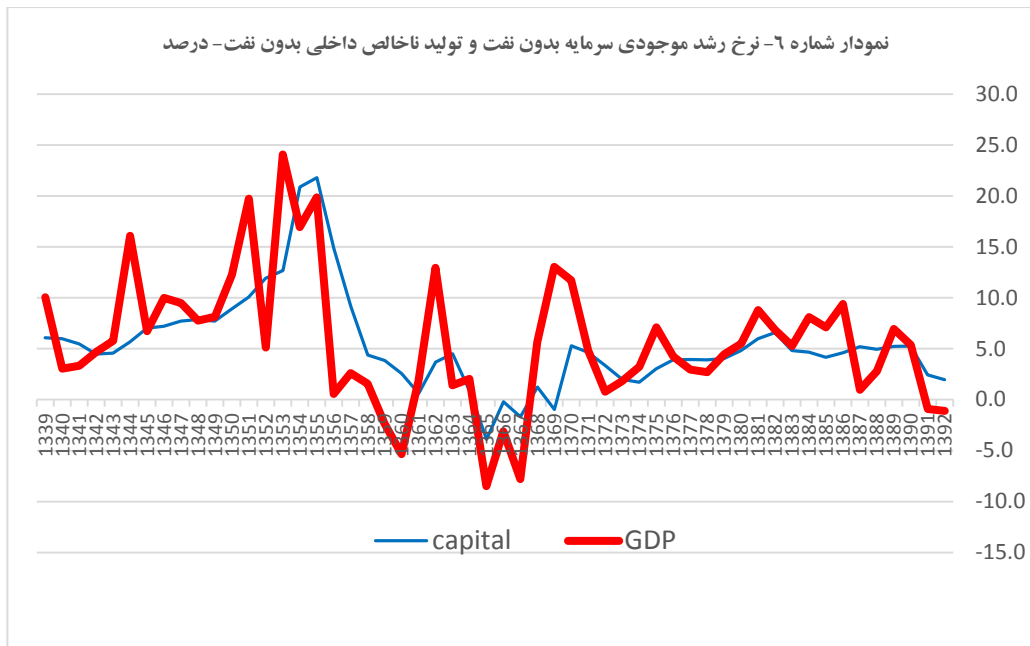
نمودار شماره ۵، وضعیت رشد اقتصادی کشور را در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد.



ماخذ: بانک مرکزی و محاسبات تحقیق

در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۵، میانگین نرخ رشد موجودی سرمایه بدون نفت ۹/۱ درصد و میانگین رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت ۱۰/۶ درصد بوده است. ارقام مذکور برای دوره ۶۷-۱۳۵۶، ۹۰-۱۳۶۸ و ۹۲-۱۳۹۱ به ترتیب معادل ۳/۱ و ۰/۵-، ۴ و ۵/۳، ۲/۲ و ۱- درصد محاسبه شده است. بر اساس نمودار ۵ در دوره ۹۰-۱۳۶۸، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و موجودی سرمایه در مقایسه با دوره اول، نصف و کمتر از نصف است. با وجود این، نسبت نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و موجودی سرمایه تقریباً حفظ شده است.

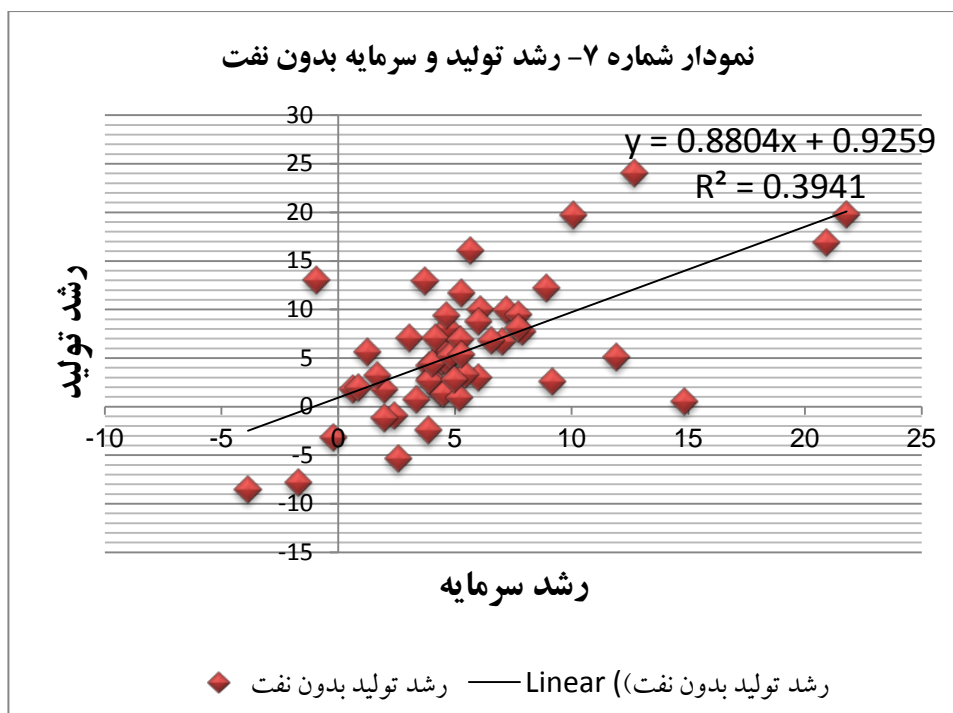
در نمودار شماره ۶، وضعیت نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی و موجودی سرمایه بدون نفت ارایه شده است.



ماخذ: بانک مرکزی و محاسبات تحقیق

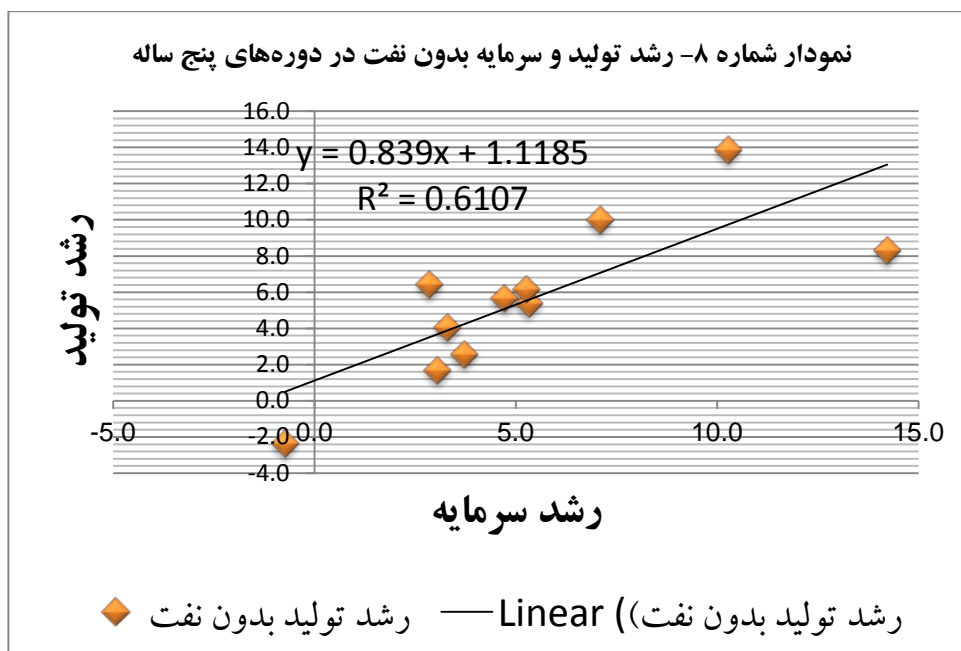
همانگونه که در نمودار ۶ نشان داده شده است، رشد تولید ناخالص داخلی در مقایسه با موجودی سرمایه پرنوسان تر بوده اما پس از انحراف از نرخ رشد موجودی سرمایه، دوباره به آن باز می‌گردد.

نمودار شماره ۷، چگونگی ارتباط دو متغیر مورد بررسی را در یک پراکنش نشان می‌دهد. تخمین رابطه دو متغیر مذکور از نظر آماری معنی دار است اگر چه میزان ضریب تعیین آن، می‌تواند نشانه‌ای از تاثیر دیگر عوامل در نوسانات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی باشد.



ماخذ: محاسبات تحقیق

در صورتی که به جای نرخ‌های رشد سالانه از میانگین‌های نرخ رشد در دوره‌های پنج ساله استفاده شود، ضریب تعیین افزایش می‌یابد. نمودار شماره ۸، بیانگر این نکته است.



ماخذ: محاسبات تحقیق

بر اساس سری‌های زمانی مربوط به دو متغیر، میانگین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۲، ۵/۵ درصد و میانگین نرخ رشد موجودی سرمایه بدون نفت در همین دوره، ۵/۳ درصد بوده است. به عبارت دیگر، میانگین نرخ رشد بهره‌وری سرمایه برای تولید بدون نفت، در فاصله سال‌های مورد بررسی تفاوت معنی‌داری با صفر ندارد.

۲-۲- روش‌شناسی

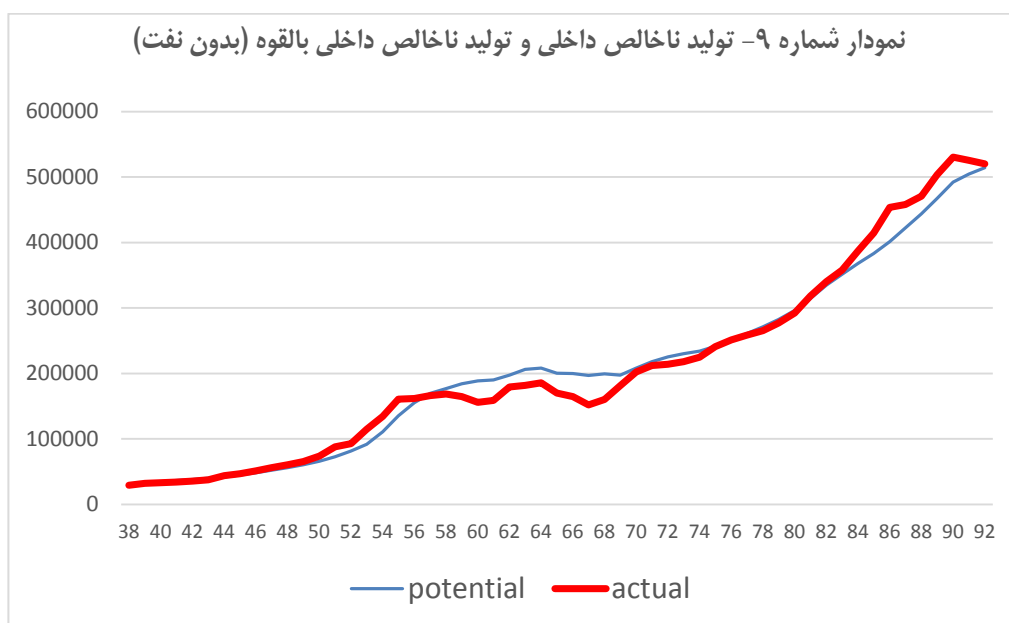
با توجه به رابطه بین رشد تولید و رشد موجودی سرمایه و نیز با توجه به اینکه رشد بهره‌وری سرمایه در اقتصاد ایران در بلندمدت معادل صفر است، و همچنین از آنجا که در بازار کار مازاد عرضه وجود دارد، می‌توان بر اساس رابطه Panic (۱۹۷۸)، تولید بالقوه را به صورت زیر برآورد نمود:

$$\left(\frac{Q_t}{K_t}\right) = a_0 + a_1 t + e_t \quad (3)$$

مطابق با رابطه ۳، نسبت ارزش افزوده بدون نفت به موجودی سرمایه بدون نفت، روی متغیر زمان برازش شده، سپس چنانکه در در رابطه ۴ نشان داده شد، سری زمانی بدست آمده در سری زمانی موجودی سرمایه بدون نفت ضرب شد و به این ترتیب، سری زمانی تولید بدون نفت بالقوه، برآورد گردید.

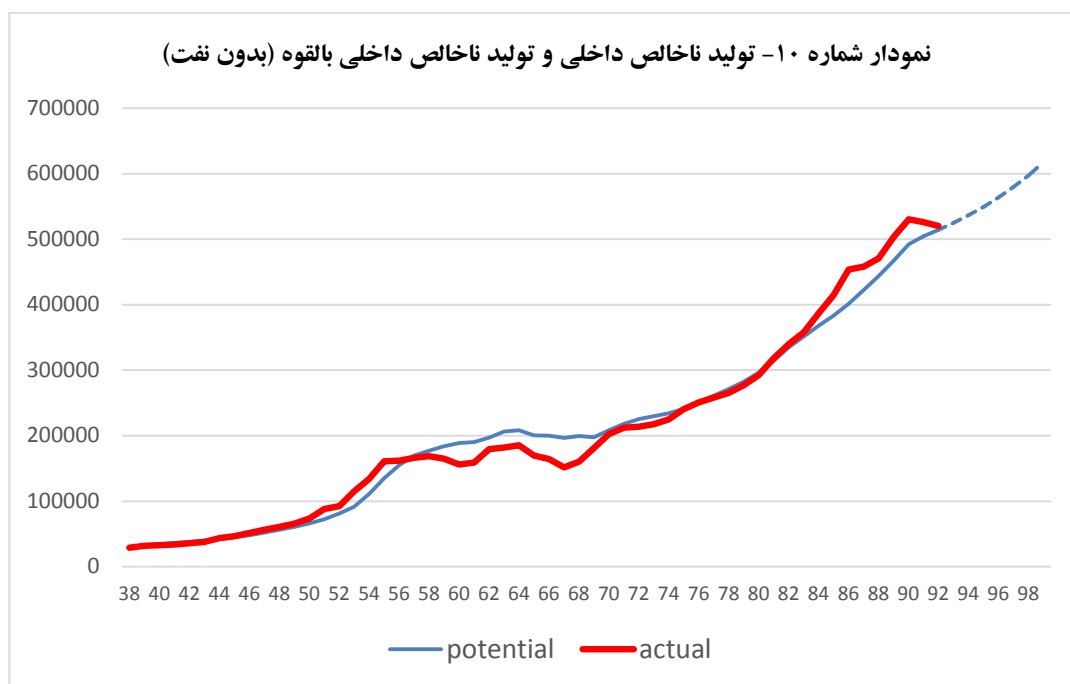
$$Potential\ output = K_t \left(\frac{Q_t}{K_t}\right)^c \quad (4)$$

نمودار شماره ۹، تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی بالقوه محاسبه شده را نشان می‌دهد.



ماخذ: محاسبات تحقیق

در نمودار شماره ۱۰، تولید بالقوه برای سال‌های ۹۳ تا ۹۹ برآورد شده است. بدین منظور، نخست ارقام موجودی سرمایه برای سال‌های مذکور برآورد گردید و سپس، با استفاده از روند تخمین زده شده برای نسبت تولید به سرمایه، تولید بالقوه در سال‌های مذکور محاسبه شد. به منظور برآورد ارقام موجودی سرمایه، فرض شد که نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت در سال‌های مورد بررسی، به ترتیب ۵، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۲ و ۱۲ درصد خواهد بود. اگر چه تکرار رقم رشد مستمر ۱۲ درصدی برای تشکیل سرمایه بسیار خوشبینانه است، اما هدف، نشان دادن این واقعیت بوده است که حتی با این فرض، متوسط نرخ رشد موجودی سرمایه ۲/۵ درصد و متوسط رشد تولید بالقوه ۲/۶ درصد خواهد بود.



ماخذ: محاسبات تحقیق

۳- جمع‌بندی و پیشنهاد

بر اساس نتایج بدست آمده در بخش اول مقاله حاضر می‌توان گفت که اثر کاهشی کل تحریم بر رشد تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ترتیب ۶/۴ و ۲/۲ درصد بوده است. بر این اساس در صورتی که تحریم‌های تجاری و نفتی بر اقتصاد کشور تحمیل نمی‌شد، رشد اقتصادی کشور در دو سال مورد بررسی به

ترتیب به $0/4 -$ و $0/3 +$ درصد می‌رسید. در واقع، افول نرخ رشد اقتصادی به پله‌های پایین‌تر نسبت به گذشته نه به علت اثر تحریم‌های مذکور، بلکه به علت انواع عدم کارایی‌های انباشته در اقتصاد کشور در سال‌های منتهی به ۱۳۹۱ بود که تحریم، آن‌ها را نیز آشکار ساخت.

نتایج بدست آمده در بخش دوم نشان داد که اتکای صرف به عوامل تولید نظیر موجودی سرمایه، امکان حصول نرخ‌های بالای رشد را بسیار محدود می‌سازد. در این شرایط، حتی در صورت تحقق رشدهای بالای تشکیل سرمایه ثابت، که حصول آن با توجه به شرایط اقتصادی کشور چندان محتمل نیست، نرخ رشد قابل توجهی در موجودی سرمایه و تولید ناخالص داخلی حاصل نخواهد شد. در واقع، توصیه سیاستی از همین واقعیت اقتصاد ایران قابل استخراج است. در شرایطی که محدودیت جدی روی ایجاد و یا بکارگیری عوامل سستی تولید وجود دارد، لازم است در چارچوب نتایج تجربیات موجود در زمینه بهره‌وری در کشورهای دیگر، دگرگونی قابل توجهی در نقش بهره‌وری عوامل تولید در اقتصاد کشور ایجاد شود. تجربه کشورهای آسیای جنوب شرقی نشان می‌دهد که هفت عامل اثرگذار بر بهره‌وری کل عوامل تولید قابل شناسایی است. تجربه سایر کشورها نیز موید این مطلب است که نیل به رشد پایدار بدون ملاحظه این عوامل امکان‌پذیر نخواهد بود. این عوامل عبارتند از ثبات اقتصاد کلان، روابط خارجی پایدار، حکمرانی خوب، بخش خصوصی قوی و پویا، نظام مالی کارآمد، نظام تامین اجتماعی مناسب و حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست. در کشورهایی نظیر ایران که از موهبت ذخایر نفت و گاز قابل ملاحظه برخوردار است، توجه ویژه به منابع مالی حاصل از فروش این ذخایر و طراحی نهادهایی نظیر صندوق توسعه ملی به منظور استفاده از این منابع با قید حداقل کردن هزینه‌ها و آسیب‌ها از اهمیت اساسی برخوردار است.

به نظر می‌رسد که اصلاحات ساختاری و نهادی در کشور به نحوی که بتوان همسویی لازم در همه عوامل تاثیرگذار در بهره‌وری عوامل را ایجاد و تقویت نمود، ضرورتی است که، بویژه در این شرایط حساس، پیش روی تصمیم‌گیران قرار دارد.

منابع و مأخذ

۱- ابوالفضل خاوری‌نژاد، شاخص‌های بهره‌وری اقتصاد ایران، فصلنامه حسابهای اقتصادی ایران، سال اول،

شماره ۱، اسفند ۱۳۸۵.

- ۲- OECD (۲۰۰۱). *Measuring Productivity: Measurement of Aggregate Industry-Level Productivity Growth*. Paris : OECD
- ۳- Bert M. BalK (۲۰۰۳). *On the Relationship Between Gross-Output and Value-Added Based Productivity Measures: The Importance of Domar Factor*, UNSW Working Paper
- ۴- Trever Cobbold (۲۰۰۳). *A Comparison of Gross Output and Value-added Methods of Productivity Estimation*, Australian Government : Productivity Commission
- ۵- Panic, M (۱۹۷۸) *Capacity utilization in UK manufacturing industry*, Discussion Paper No ۵, National Economic Development Office.

اطلاعات تماس موسسه

آدرس: تهران، خیابان سئول، بالاتر از میدان شیخ بهایی، خیابان زکی زاده بایقرا، پلاک ۱،
واحد ۱۹

تلفن: ۸۸۰۵۰۳۸۳

نمبر: ۸۸۲۱۹۴۵۸

ایمیل: **info@ befri.ac.ir**

وبسایت: **www.befri.ac.ir**